

واکاوی نقش ائمه اطهار (ع) در ارتقای منزلت اجتماعی «اُمّ ولدها»

با تأکید بر مادران ائمه (ع)

ملیحه دانشمند* / شهربانو دلبری** / سید حسین رئیس‌السادات***

چکیده

با گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطقی از آسیا و شمال آفریقا در سده های اول و دوم هجری قمری و ورود بردگان و اسرا، بستر مناسبی برای کنیزداری جامعه عرب فراهم شد. گروهی از این کنیزان که از مولای خویش صاحب فرزند شدند، اُمّ ولد نامیده می‌شدند. پژوهش پیش رو درصدد است رویکرد افراد جامعه نسبت به اُمّ ولدها و نقش ائمه اطهار (ع) در ارتقاء منزلت اجتماعی آن‌ها را مورد واکاوی قرار دهد. بدین منظور نوشته‌های تاریخی و غیر تاریخی برای درک اجتماعی موضوع، مطالعه و سپس پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در شرایطی که کنیزان و اُمّ ولدها در جامعه‌ی عرب جایگاهی نداشتند و مورد تحقیر و تبعیض قرار می‌گرفتند، ائمه (ع) ضمن حمایت حقوقی از کنیزان، با آزاد کردن و انتخاب آنها به عنوان همسر، عملاً الگویی از رفتار درست و اسلامی را در چارچوب خانواده ارائه دادند و جایگاه و منزلت اُمّ ولدها را به عنوان همسران و مادران فرزندان خود ارتقاء بخشیدند.

واژگان کلیدی

امامان شیعه، برده داری، امه، اُمّ ولد، کنیزان، منزلت اجتماعی.

*. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
malihedaneshmand@gmail.com
**. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
tarikh-2003@yahoo.com
***. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. sh_rais@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

طرح مسئله

برده‌داری در شبه‌جزیره عربستان قبل از ورود اسلام به‌صورت گسترده وجود داشت. درواقع یکی از سنجه‌های سیستم اقتصادی حاکم بر عرب جاهلی، برده‌داری بود. بدون شک عوامل متعددی در گسترش برده‌داری در میان عرب‌ها نقش داشته که بهره‌کشی اقتصادی، تجارت، شهوت‌رانی و فرزندآوری^۱ از سوی عرب غالب و شکست، بی‌خانمانی، اسارت^۲، فقر^۳ و بی‌سرپرستی از سوی کنیز مغلوب، از عوامل اصلی بودند. بردگان در حجاز قبل از اسلام، پست‌ترین و پایین‌ترین طبقه اجتماعی عرب را تشکیل می‌دادند و هیچ حرمت و جایگاهی در اجتماع نداشتند. به‌گونه‌ای که پس از خرید برده - و البته تنها در مورد مردان - ریسمانی را به گردنش می‌بستند و او را مانند چهارپایان به منزل خود می‌بردند.^۴ انتخاب همسر از میان کنیزان از نظر آنان امری ناپسند و بیشتر برای ازدیاد نسل، بهره‌کشی اقتصادی یا تبارداری برای قدرت بود. عرب با دادن لقب «ولید» به کنیززادگان، جایگاه دون‌پایه آنان را در جامعه روشن می‌ساخت.^۵

قبل از ظهور اسلام فرزندان کنیز به مادر خود منسوب بودند و از جمله بردگان محسوب می‌شدند. این روند یک تبعیض مضاعف بود که اسلام با طرح موضوع «اُم ولد» یا «مادر فرزند» درصدد اصلاح آن برآمد. پیشنهادی که شأن کنیزان را در جامعه اندکی تغییر داد، چنانکه جایگاه فرزندان کنیز نیز بهبود یافت و آنان را از حالت بردگی خارج کرد. امامان علیهم‌السلام از این مرحله پا را فراتر نهادند و کنیزان خریداری شده را آزاد کرده و در برخی موارد آنان را به همسری برمی‌گزیدند. اما عنوان اُم‌ولد، در برابر همسران دیگر برای کنیزان باقی ماند. این نشان می‌دهد که برای این نوع همسران، جایگاهی همانند همسران رسمی تعریف نشده بود، زیرا آنها را با نام فرزندان‌شان صدا نمی‌زدند، چیزی که برای عرب یک شأن به حساب می‌آید.

پژوهش حاضر با هدف یافتن رویکرد ائمه اطهار علیهم‌السلام در ارتقای مقام و منزلت ام‌ولد، به‌زوایی از زندگی امامان علیهم‌السلام پرداخته که کمتر مورد واکاوی پژوهشگران قرار گرفته است. این مسئله به دلیل آن که برای نخستین‌بار به‌عنوان مسئله پژوهشی بررسی می‌شود، بدون پیشینه خاصی است، اما در طرح بحث آن می‌توان از کتاب *سرنوشت اسیر در اسلام* نوشته سیدعلی میرشریفی که به مسئله اسارت و

۱. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۵، ص ۱۳۶.

۲. ابن‌هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۴۵۶.

۴. جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۴، ص ۶۶۱.

۵. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۴۷۱.

بردگی قبل از ظهور اسلام، در دوران رسالت و خلافت پرداخته است، و همچنین از منابع مربوط به زندگی‌نامه‌هایی که برای همسران اُمّ ولد امامان علیهم‌السلام نوشته شده مانند کتاب *زیست‌نامه مادر امام رضا علیه‌السلام* نوشته ناهید طیبی^۱ بهره برد. همچنین در مقالاتی مانند «واکاوی در هویت و زندگی مادر امام زمان علیه‌السلام» نوشته نعمت الله صفری فروشانی^۲ و «نجمه خاتون مادر امام رضا علیه‌السلام» از عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی^۳، به زندگانی، سیره و رفتار این بزرگان اشاره شده است؛ اما هیچ‌یک از موارد یاد شده با محوریت مسئله ام ولدی این بانوان به نگارش درنیامده است و همین نکته ضرورت پژوهش در این موضوع را بیشتر می‌کند. از این رو پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی، تحلیلی می‌کوشد تا با بررسی اجمالی اوضاع سیاسی و اجتماعی ائمه در زمان حضور این بانوان در خانه ولایت، نگاهی دقیق‌تر به زندگی آنها داشته و نقش ائمه اطهار علیهم‌السلام نسبت به همسران ام‌ولد خود را مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد که امامان معصوم علیهم‌السلام، با آزادکردن، ازدواج و تکریم کنیزان و با آموزش و تعلیم و تربیت اسلامی آنان، توانستند موجب ارتقای مقام کنیزان ام‌ولد به‌عنوان همسر و مادر امامان معصوم علیهم‌السلام در جامعه شوند و زمینه رشد و پرورش شریف‌ترین انسان‌ها را در دامان این بانوان فراهم کنند.

مفاهیم سازنده

برده: در زبان فارسی به معنی بنده زرخرید، غلام و کنیز است. این‌ها دخترها و پسرهایی بودند که با پول خریداری می‌شدند، به‌طوری که به بردگان پسر غلام و به بردگان دختر کنیز می‌گفتند.^۴ واژه «برده» در زبان عربی، به معنی «عَبْد» است^۵ و البته به تعبیر دقیق‌تر، مصداقی برای «بردهٔ مرد» بوده و به «بردهٔ زن»، «أَمَة» (جمع آن: إماء) می‌گفته‌اند. این لفظ، در قرآن نیامده، اما به‌جای آن لفظ «رَقَبَة» (به‌معنای «گردن، قفا») به‌کار رفته است.^۶ همچنین در قرآن عبارت کنایی

۱. طیبی، ناهید، *زیست‌نامه مادر امام رضا علیه‌السلام*.

۲. شهبازیان و صفری فروشانی، «واکاوی در هویت زندگی مادر امام زمان علیه‌السلام»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۳۷.

۳. پاک‌نیا تبریزی، «نجمه خاتون مادر امام رضا علیه‌السلام»، *نشر میلان*، شماره ۲۱۷.

۴. عمید، *فرهنگ لغت*، ص ۳۹۵؛ دهخدا، *لغت‌نامه*، ج ۳، ص ۳۹۵۲؛ معین، *فرهنگ لغت*، ج ۲، ص ۱۳۷.

۵. البته شایع‌ترین صیغه جمع آن در این معنی «عَبِيد» است و در قرآن کریم در سوره نور آیه ۳۲، «عَبَاد» ذکر شده است.

۶. *لغت‌نامه دهخدا* ذیل رقبه: همچنین از جمله این موارد است آیه: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» خدا شما را به خاطر سوگندهای لغو و بی‌هدفان مجازات نمی‌کند، ولی به سبب شکستن سوگندهایی که به طور جدی و با قصد و اراده خورده‌اید، مؤاخذه می‌کند؛ پس کفاره این‌گونه سوگندها، طعام دادن به ده نفر مسکین از غذاهای متوسطی است که به خانواده خود می‌خورانید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، یا آزاد کردن

«مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»^۱ و واژه «جاریه» برای «برده زن» فراوان به کار رفته است.

أُمُود: اصطلاحی فقهی و به معنای کنیزی است که از مولای خویش صاحب فرزند شده باشد، که مطابق فقه اسلامی مولای وی دیگر حق فروش این کنیز را ندارد. از آنجا که فرزند این کنیز آزاد است و نمی‌تواند مالک مادر خود باشد، کنیز پس از مرگ همسر از سهم الارث پسرش آزاد می‌شود.^۲

نقش: به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شود و سپس او آنها را می‌پذیرد.^۳

منزلت اجتماعی: منزلت اجتماعی، ارزش یا مقامی است که شخص از جهت شأن، حیثیت و اعتبار، در جامعه از آن برخوردار است و یا به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر، گفته می‌شود.^۴

دیدگاه اسلام نسبت به بردگان

با توجه به اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی شبه‌جزیره عربستان در آستانه ظهور اسلام، برای حکومت تازه تأسیس پیامبر ﷺ حذف یکباره برده‌داری امکان‌پذیر نبوده است. در مجموع، اسلام به گونه مستقیم راهکاری چندان سختگیرانه در ممنوعیت و حذف برده‌داری ارائه نداده و اصلاح برده‌داری به تدریج در جامعه اسلامی رخ داده است. روایات فراوانی از تکریم و آزادسازی بردگان در قبال کفار گناهان یا ترک عمدی و سهوی واجبات وجود دارد و در فقه نیز بابی تحت عنوان **کتاب العتق** به مسائل بردگان می‌پردازد.^۵ همچنین در لابه‌لای کتب فقهی معاملاتی مانند کتاب **الحجر، البیع، الوصیه و النکاح** به معنای عام، فروع مرتبط با اماء و عبيد مطرح شده است. این‌ها همه دلیل روشنی است که موجب شده تا جامعه اسلامی به تدریج نسبت به امر برده‌داری واکنش نشان دهد.

یک برده و کسی که هیچ‌یک [از این کفارات سه‌گانه] را نیابد کفاره‌اش سه روز روزه است. این است کفاره سوگندهایتان زمانی که سوگند خوردید لازم است سوگندهای خود را حفظ کنید. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند تا سپاس گزارید.

۱. نسا (۴) ۳۶.

۲. حلی، **الجامع للشرایع**، ج ۲، ص ۱۷۵

۳. کوئن، **مبانی جامعه‌شناسی**، ص ۸۱۰.

۴. ملک، **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی**، ص ۸.

۵. کلینی، **التکافی**، ج ۶ ص ۱۷۷؛ طوسی، **تهذیب الاحکام**، ج ۸، ص ۳۰۹.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد، علی‌رغم تلاش برخی مسلمانان در جهت حذف برده‌داری، تا همین یکصد سال پیش در جوامع اسلامی برده‌داری وجود داشته است و مسلمانان نه تنها غیرمسلمانان، بلکه حتی مسلمانان را به بردگی می‌گرفتند.^۱ اینک به توصیه‌ها و احکام صریح در ذم برده‌داری می‌پردازیم، چیزی که البته از سوی حاکمان چندان جدی گرفته نشد.

۱. گسترش فرهنگ آزادسازی بردگان با آیاتی مانند «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقْبَةُ ۖ فَكُّ رَقَبَةٍ^۲» و توجه می‌دانی آن گردنه سخت چیست؟ آزاد کردن برده»، ممنوعیت سوءاستفاده از بردگان مانند، وادار نکردن کنیزان به فحشا و درآمدزایی از آن «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا» و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا، مجبور به خودفروشی نکنید، اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند».^۳

۲. تقبیح برده‌داری مانند گفته پیامبر اسلام ﷺ که فرمودند: «بدترین مردم کسانی هستند که مردمان را می‌فروشند».^۴

۳. حرام دانستن شکنجه بردگان و قانون آزادسازی بردگان در صورت شکنجه‌های سخت بر آنان^۵ مانند مثله کردن.

۴. وضع قوانین متعدد برای آزادسازی بردگان مانند کفاره روزه و کفاره نذر و قسم و قتل خطایی وظهار.^۶

۵. معتبر شمردن ازدواج با بردگان و آزاد دانستن فرزند کنیز.
۶. ایجاد و گسترش فرهنگ تکریم بردگان و بدرفتاری نکردن با بردگان، چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ ارباب سوار را از دواندن برده به دنبال خود نهی می‌نمود.^۷

اسباب بردگی

در مناطق مختلف جهان، برده‌داری به علل و انگیزه‌های گوناگونی مانند جنگ، قدرت، غارت و

۱. لوریمر، *روزنامه خلیج فارس*، ج ۱: قسمت دوم، ص ۲۵۱۱ - ۲۵۱۰.

۲. بلد (۹۰) ۱۳ - ۱۲.

۳. نور (۲۴) ۳۳.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۱۱۴.

۵. حلی، *الجامع للشرایع*، ج ۲، ص ۲۰۶.

۶. نسا (۴) ۹۲؛ مجادله (۵۸) ۳.

۷. زمخشری، *ربیع الابرار و نصوص الاخیار*، ج ۳، ص ۳۴۴.

آدم‌ربایی، قرض و دین، سرقت، فقر و قمار صورت می‌گرفت.^۱ ولی از آنجا که شریعت اسلام تنها برده کردن اسیران جنگی کافر را به‌عنوان راه قانونی و مشروع تأمین بردگان و کنیزان پذیرفته بود،^۲ با گسترش فتوحات، جنگ یکی از راه‌های به‌دست آوردن بردگان شد که در سراسر قلمرو اسلامی به فروش می‌رسیدند. درحالی‌که برخی از مسلمانان جهاد و غذا را تنها در سودای به‌دست آوردن غنائم و برده می‌دیدند،^۳ برده‌داری و کنیزداری در جامعه گسترش یافت. رویارویی نظامی حکومت اسلامی با امپراطوری روم شرقی در قسمت‌های غربی قلمرو اسلامی و جنگ بین مرزداران شرقی و قبایل ترک، باعث فراوانی بردگان رومی و ترک شد. در این زمان خراسان نیز یکی از مبادی مهم ورود غلامان و کنیزان به سرزمین‌های اسلامی بود. به‌گونه‌ای که حاکمان این منطقه همه ساله تعداد زیادی از کنیزان و غلامان ترک و هندو را به‌عنوان هدیه به دربار خلفا پیشکش می‌کردند.^۴

امّولد از دیدگاه فقهی

در رابطه با برده‌داری در اسلام، این‌گونه توجیه می‌شود که تغییر افکار و اندیشه‌هایی که ریشه در فرهنگ و آداب و سنن مردم دارد به آسانی امکان‌پذیر نیست، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت در محیطی که قرن‌ها، برده‌داری به بدترین شکل ممکن رواج داشته، ناگهان این رسم ملغی شود. اگرچه باورها و اعتقادات مذهبی عرب، با آمدن اسلام دگرگون شد و پلیدی، شرک و کفر از جامعه عرب رخت بربست اما برده‌داری و کنیزداری به قوت هرچه تمام‌تر باقی ماند و فقط اصلاحاتی اندک مانند حکم امولد در آن بوجود آمد. هنگامی که کنیزی از مولا و صاحب خود دارای فرزند می‌شد امّولد نامیده می‌شد.

از احکام فقهی مربوط به امولد این است که تا فرزند این کنیز زنده است، صاحب او حق فروش وی را ندارد مگر آنکه دینی بر گردن صاحبش باشد و بدون فروش کنیز نتواند قرض خود را ادا کند. همچنین ام ولد پس از مرگ صاحب خود آزاد شده و جزء اموال فرزندش به حساب می‌آید.^۵ در فقه اسلامی واژه استیلا وجود دارد که به معنی فرزند خواستن به غیر از راه همسرگزینی، می‌باشد. شهید ثانی درباره استیلا می‌گوید: «استیلا یعنی کنیزی که از طریق ملک یمین و نه از طریق زوجیت، باردار شده باشد. چنین کنیزی را «امولد» گویند. فرزند او حرّ است و اگر مولی قبل از امولد بمیرد و در

۱. میرشریفی، *سرنوشت اسیر در اسلام*، ص ۲۵۴ - ۲۵۰.

۲. انفال (۸) ۶۷؛ طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ج ۶، ص ۴۹۷.

۳. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۹، ص ۳۰.

۴. بیهقی، *تاریخ بیهقی*، ص ۵۳۷.

۵. حلی، *الجامع للشرایع*، ج ۲، ص ۱۷۵؛ مختاری مازندرانی و مرادی، *فرهنگ اصطلاحات فقهی*، ص ۲۳.

خصوص خرید این ام‌ولد، بدهکار هم نباشد یا بدهکار باشد ولی ترکه او جواب‌گوی بدهی او باشد، این کنیز از سهم‌الارث فرزندش که به دنیا آمده، یا در رحم است آزاد می‌شود و اگر سهم‌الارث فرزند کفایت نکرد، باقی‌مانده را باید با تلاش خود پرداخت کند.^۱ بررسی این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه نسبت به سرنوشت کنیز و ام‌ولد، دیدگاه‌های قابل تأملی وجود داشته است.

پس از مطرح شدن راهکار ام‌ولد برای ملک یمین (ابزارنگری)، جامعه عرب و اسلام با اشتیاق به استقبال آن رفت و حتی قانون‌هایی نیز برای آن وضع کرد که در جامعه اجرا نشد، مثلاً در صورتی که صاحب کنیز با اعلام نسب فرزند، کنیزش را فرزند خود می‌نامید، این تصمیم در بعضی مواقع از سوی اقوام و فرزندان دیگر پذیرفته نمی‌شد و پسران و برادران مالک پس از مرگ او، کنیززاده او را به بردگی می‌فروختند، مانند نصیب بن ریح که چون مادرش کنیز بود پس از مرگ ریح توسط عمویش به عبدالعزیز بن مروان بن حکم فروخته شد.^۲ در این گونه موارد به‌نظر می‌رسد که تعصبات قومی و سهم‌الارث در این تصمیم‌گیری‌ها نقش اساسی داشته است.

حتی اگر کنیززاده‌ای مورد پذیرش افراد جامعه هم قرار می‌گرفت، اعراب از تحقیر او دست برنمی‌داشتند. این نوع رفتار در کل جامعه مشاهده می‌شد. در مسابقه اسب‌دوانی که عبدالملک بن مروان بین دو پسر خود سلیمان و مسلمه برگزار کرد، سلیمان پیروز شد و عبدالملک در این زمان این اشعار را بیان کرد: «به شما گفتم که کنیززادگان را در مسابقه شرکت ندهید، این دو هرگز برابر نمی‌شوند، آن مادرش بانو و این مادرش کنیز است».^۳ نمونه دیگری از رفتار با بردگان را می‌توان در واکنش عبدالملک بن مروان مشاهده کرد. خلیفه چون شنید که امام سجاد(ع) با کنیزش ازدواج کرده و او را به همسری برگزیده است، برآشفته و در نامه‌ای اعتراض‌آمیز به امام نوشت «با کنیزان ازدواج کرده‌ای؟! درحالی که در میان اعراب کسانی هستند که تو می‌توانستی با ازدواج با آن‌ها به عظمت و شرافت خود بیفزایی». امام سجاد(ع) در پاسخ عبدالملک بن مروان با اشاره به آیات قرآن و روش پیامبر(ص) هشدار دادند که بنی‌امیه به جاهلیت نوینی گرفتار شده و لازم است ارزش‌های اسلامی مجدداً احیا گردد و فرمود: «نامه تو که در آن مرا به خاطر ازدواج با کنیز آزاد شده‌ام سرزنش کردی به دستم رسید. گفتم که در میان عرب زنانی هستند که با ازدواج و صاحب فرزند شدن از آن‌ها به عظمت و بزرگواری می‌رسم و حال آنکه فراموش کرده‌ای بزرگواری و با عظمت تر از رسول خدا(ص)». ^۱ جبلی عاملی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۶ ص ۳۷۱ - ۳۶۹.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *اخبار النساء فی کتاب الاغانی*، ج ۱، ص ۱۱۸.

۳. ابن‌عبدربه، *عقد الفرید*، ج ۴، ص ۱۱.

کسی نیست درحالی که رسول خدا ﷺ بانی ازدواج برده‌اش زیدبن حارثه با زنی آزاد به نام زینب شد و خود نیز با کنیزش ازدواج کرد. خداوند به وسیله اسلام امور بی‌ارزش را با ارزش و نقایص را با اسلام کامل کرد و سرزنش‌ها را از بین برد. انسان مسلمان، شایسته نکوهش و سرزنش نیست تنها جاهلیت و افکار جاهلی باید سرزنش و نکوهش شوند»^۱.

در موردی دیگر هشام بن عبدالملک نیز با کنیززاده خواندن زید، پسر امام سجاد ﷺ تفکرات جاهلی خود را آشکار ساخت. زید در پاسخ هشام، کنیززاده بودن اسماعیل پسر حضرت ابراهیم و مقام او را یاد آوری کرد و درک وسیع و بینش والای خود را به رخ هشام کشید.^۲ همچنین یک شاعر عرب، احساسات اعراب این دوره را در قبال کنیززادگان این‌گونه بیان کرده است «خدايا: فرزندان کنیزان در میان ما فراوان شده‌اند خدایا مرا به شهری ببر که در آنجا نژاد غیراصیل نبینم»^۳.

هرچند از دیدگاه احکام فقهی، فرزندان کنیز با اعلام نسب، نسبت به پدر و صاحب خود، آزاد و با دیگر فرزندان پدر هم ردیف محسوب می‌شدند ولی در مناسبات اجتماعی جایگاهی فروتر داشتند. برخی مواقع فرزندان کنیز را برای متمایز کردن از دیگر فرزندان، به نام مادر کنیزشان می‌خواندند مانند ابن فرات که از کنیز ام‌ولدش دولت، فرزندی داشت و آن فرزند به نام مادرش، حسن بن دولت نامیده می‌شد.^۴

برخی از متقدمین بر این باور بوده‌اند که چون عرب به کنیز در حکم کالا نگاه می‌کرد، فرزندان شدن کنیز از نظر اقتصادی در واقع به ضرر صاحبش بود.^۵ زیرا فروختن ام‌ولد و نیز هرگونه تصرفی در او مانند بخشیدن که موجب انتقال ام‌ولد به دیگری می‌شد، بنا بر مذاهب مختلف جایز نبود، مگر در شرایط خاصی همچون زمانی که مولا قیمت کنیز را بدهکار بود و توان پرداخت آن را جز با فروختن کنیز نداشت.^۶

با این توصیف نمی‌توان دلیل خرید کنیزان را علاقه به داشتن فرزندان بیشتر دانست. بلکه

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۶۴، طوسی، القیبه، ج ۷، ص ۳۹۷.

۲. زید بن علی ﷺ در پاسخ هشام می‌گوید: «اگر کنیززاده بودن عیب بود خدا اسماعیل پسر ابراهیم را به چنین مقامی نمی‌رساند».

۳. ابن قتیبه دینوری، معیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۱۲؛ زمخشری، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ج ۳، ص ۳۶۱.

۴. حتی، تاریخ عرب، ص ۴۲۱ - ۴۲۰.

۵. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۵، ص ۱۷۴.

۶. عنصرالمعالی، قابوس نامه، ص ۱۳۰.

۷. حلی، تحریر الاحکام الشرعیه، ج ۴، ص ۲۸۷؛ جلی عاملی، الروضه البهیة، ج ۶، ص ۳۷۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۳۷۳؛ ج ۳۴، ص ۳۷۸؛ ابن قدامه، المغنی، ج ۳، ص ۴۹۳ - ۴۹۲.

بسیاری از مردان به خاطر امیال شهوانی و رایج بودن آن در شرایط فرهنگی جامعه آن روز اقدام به خرید کنیزان می‌کردند و نقش جنسی این کنیزان در قالب سریه،^۱ چنان رایج و عادی بود که نهاد دین این امر را پذیرفته بود، به گونه‌ای که غزالی از بزرگان فقه شافعی در احکام فقهی مربوط به خرید کنیزان به این مسئله اشاره دارد که خریدار می‌تواند بدن کنیز از جمله موی سر و دست و پای او را ببیند.^۲ این حکم به وضوح انسان را در حد چهار پایان قرار می‌دهد و دقیقاً نشان می‌دهد که خریدار می‌خواهد حیوانی چاق یا لاغر بخرد.

بنا بر فقه شیعه، در صورت وجود شرایط اثبات نسب، فرزند به مالک کنیز ملحق می‌شد و وی شرعاً حق نفی‌ولد نداشت.^۳ سرخسی از فقهای حنفی مذهب می‌گوید: اگر کنیزی از مالک خود صاحب فرزندی می‌شد و مالک در حضور شاهدان، آن کودک را فرزند خود اعلام می‌نمود، کنیز امولد و فرزندش آزاد محسوب می‌شدند.^۴ در غیر این صورت کنیز و فرزندش همچنان برده باقی می‌ماندند و قانون، مالک را مجبور به اعلام نسب و پذیرش فرزند کنیز نمی‌کرد.^۵ به نظر می‌رسد که اعراب، تنها پسران امولد را با اعلام نسب به خود، می‌پذیرفتند و از پذیرش دختران، به بهانه‌های مختلف، خودداری می‌کردند، مانند شاریه، کنیز رامشگر مأمون که مادرش کنیز و پدرش قریشی بود ولی پدرش با این ادعا که او متعلق به وی نیست از پذیرش او خودداری کرد و شاریه همانند مادرش در زمره کنیزان باقی ماند.^۶

شرایط آزادی امولد پس از مرگ صاحبش، همانند "برده مدبر"^۷ بود با این تفاوت که امولد غیرقابل فروش بود^۸ و این ویژگی او را از سایر بردگان متمایز می‌کرد و راه مطمئنی برای آزادی کنیزان به شمار می‌رفت. گاهی اوقات کنیز پس از آزادی نیز به نام صاحب خود شناخته می‌شد^۹ و اگر بی‌وارث بود مالک قبلی از او ارث می‌برد^{۱۰} ولی امولد به صورت مستقیم از مالک خود ارث نمی‌برد،^{۱۱}

۱. سریه کنیزی است که جهت بهره‌وری جنسی خریده می‌شد.

۲. غزالی، *کیمیای سعادت*، ج ۱، ص ۳۳۲. غزالی فیلسوف، متکلم و فقیه ایرانی شافعی مذهب سده پنجم هجری است.

۳. جبلی عاملی، *الروضة البهیة*، ج ۵، ص ۴۳۸؛ نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۱۱، ص ۱۵۴ - ۱۵۳.

۴. سرخسی، *المبسوط*، ج ۷، ص ۱۵۱ - ۱۵۰؛ سرخسی از فقهای حنفی سده پنجم هجری قمری است.

۵. ابوالفرج اصفهانی، *اخبار النساء فی کتاب الاغانی*، ص ۲۷.

۶. همان، ص ۱۹۰ - ۱۸۷.

۷. برده مدبر، به برده‌ای گفته می‌شد که از مالک خود وعده می‌گرفت که با مرگ مالک آزاد شود.

۸. جبلی عاملی، *الروضة البهیة*، ج ۳، ص ۲۵۹ - ۲۵۷.

۹. مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، ص ۵۴۵.

۱۰. حموی، *معجم الادباء*، ج ۳، ص ۱۴۸.

۱۱. نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۳۹، ص ۶۱.

با این حال، مالک می‌توانست برای امولد مالی را وصیت کند.^۱

برای کنیزان امولد درجات بالاتری نسبت به سایر کنیزان وجود داشت: کنیزان امولد از زمره اموال قابل انتقال مالک خارج شده و پس از مرگ صاحب خود آزاد می‌شدند. بنابر این صاحب امولد قادر به فروش و بخشش او به دیگری و یا به رهن دادن او نبود.^۲

رویکرد اسلام نسبت به بردگان

آیات قرآن به روشنی از تساوی برده و آزادی پس از تشریف به اسلام سخن می‌گوید و نه تنها برده حبشی را با سید قریشی یکی می‌داند بلکه گاه کنیز مؤمن را برتر از حره مشرک می‌داند^۳ و نزدیکی به خداوند را تنها در سایه تقوا و عمل صالح بیان می‌کند.^۴ اسلام به آزادسازی و خوش رفتاری با بردگان، و زن یا شوهر دادن آنان و آموختن سواد و به همسری گرفتن کنیزان توصیه کرده است.^۵ پیامبر ﷺ مسلمانان را به داشتن رفتاری انسانی، همراه با مهربانی و رعایت حقوق بردگان دعوت می‌کردند. این توصیه‌ها درباره حقوق بردگان این‌گونه بودند: «از غذای خود به او بدهد. از جامه‌ای که خود می‌پوشد، به او بپوشاند. به کارهای سخت وادارش نسازد، به کاری که بیش از توان اوست مأمورش نکند، برده ناپسند را آزار ندهد و زود بفروشد».^۶ او را تحقیر و کوچک نکند و اشتباهات او را ببخشد در رفتار با او منصف باشد و در حقش ظلم نکند. طبق روایات اسلامی دیدگاه ائمه علیهم‌السلام نسبت به بردگان برپایه روابط انسانی و اخلاقی استوار بود. امام رضا علیهم‌السلام با بردگان بر سر یک سفره غذا می‌خورد و به اصحاب خود تأکید می‌کردند که اگر برده‌ای را آزاد کردید، تا زمانی که به حد بی‌نیازی برسد، از او حمایت مالی کنید.^۷

نقش ائمه علیهم‌السلام در ارتقای منزلت اجتماعی امولدها

در شرایطی که خلفای اموی و عباسی و به تبع آنان صاحبان قدرت و ثروت برای حرمسراهای خود

۱. همان، ج ۳۴، ص ۳۸۲.

۲. طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۶، ص ۱۸۶ - ۱۸۵؛ غزالی، *کیمیای سعادت*، ج ۱، ص ۳۳۱؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، ج ۲۳، ح ۲.

۳. بقره (۲) ۱۲۲.

۴. حجرات (۴۹) ۳.

۵. انصاری، *مکاسب*، ص ۱۷۵.

۶. غزالی، *کیمیای سعادت*، ج ۱، ص ۴۳۲.

۷. حر عاملی، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، ج ۲۳، ح ۲.

کنیزکان زیارو و صاحب هنر، با رنگ و نژادهای متنوع خریداری می‌کردند^۱ و برخی از این کنیزکان مجلس‌آرا، با دل‌فریبی و فرزندار شدن از خلفا، امولد شمرده می‌شدند، نحوه برخورد ائمه‌علیهم‌السلام با کنیزان به‌گونه‌ای دیگر بود. آنها ضمن تبعیت از رسم جامعه خود، با آزادسازی کنیزان و ازدواج با کنیزان لایق و تشکیل خانواده و دوری از تشکیل حرمسرا، الگویی مناسب به جامعه آن روز ارائه کردند. ائمه‌علیهم‌السلام با استفاده از روش‌های مختلف، توانستند جایگاه اُمّولدها را در جامعه ارتقا بخشند که به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

۱. پیوند با کنیزان راهی برای آزادی آنان

پیامبر اکرم‌الله‌علیه‌السلام به‌عنوان الگو و اسوه در جامعه اسلامی، با ازدواج با کنیزان، موقعیت و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی دگرگون ساخت، به‌گونه‌ای که حضور کنیزانی مانند ماریه، ریحانه^۲ و صفیه^۳ در کنار همسران آزاد ایشان، موجب ارتقای جایگاه کنیزان در جامعه اسلامی شد. ازدواج ائمه‌علیهم‌السلام با کنیزان، برای حفظ شخصیت آنها و احترام به کرامت انسانی بود. ائمه‌علیهم‌السلام با آنها ازدواج کرده، آنها را تربیت نموده و سپس آزاد می‌کردند. امامان‌علیهم‌السلام در انتخاب همسر، که پایه اصلی برای زمینه‌سازی تربیت صحیح فرزندان است، دقت بسیار داشتند. امام صادق‌علیه‌السلام در روایتی در این باره می‌فرماید: «نگاه کن و توجه نما که خود را در چه موقعیتی قرار می‌دهی و چه کسی را شریک زندگی و اموات می‌کنی و چه کسی را از دین و رمز و راز زندگی آگاه می‌سازی»^۴. در منابع تاریخی، موارد مختلفی از ازدواج امامان‌علیهم‌السلام با کنیزان گزارش شده اما با توجه به اینکه در این مقاله تأکید بر مادران ائمه‌علیهم‌السلام است، از بیان امولدهای دیگر - مانند امولدهای امام علی‌علیه‌السلام: خوله مادر محمد حنفیه کنیزی از قبیله بنی‌زبیدی^۵، الصهباء از قبیله تغلیبه مادر عمرالاطرف، ام‌سعید بنت عروه بن مسعود، مادر رمله و دیگر همسران علی بن ابیطالب که کنیز بودند^۶ و یا ازدواج امام سجاد‌علیه‌السلام با کنیز آزادشده خود^۷ - صرف نظر می‌شود.

۱. تعداد کنیزان حرمسرای هارون الرشید را به اغراق تا ۴۰۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. (ابن کثیر، *البدایه والنهایه فی التاریخ*، ج ۱۰، ص ۲۲۲)

۲. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۳، ص ۱۹۶.

۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲.

۵. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۴، ص ۱۱۰؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۶، ص ۲۲۸؛ عصامی، *سیمت النجوم العوالی*، ج ۳، ص ۷۳؛ البته در منابع دیگر به کنیز نبودن خوله اشاره شده است. (راوندی، *الخروج والجراح*، ج ۲، ص ۵۹۳ - ۵۸۹)

۶. مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۳۵۴، بغدادی، *تاریخ موالید الأئمة*، ص ۱۵.

۷. «أما بعد فقد بلغني كتابك تعنفني بتزويجي مولاتي وتزعم أنه كان في نساء قریش من أتمجد به في

یکی از موضوعات بحث برانگیز در سال‌های اخیر، ازدواج امام حسین (ع) با دختر یزدگرد^۱ و مسئله ام‌ولد بودن مادر امام سجاد (ع) می‌باشد. علاوه بر کتاب‌هایی که به زندگی امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) پرداخته‌اند، مقالاتی نیز به رشته تحریر در آمده است، ازجمله پژوهشگر معاصر استاد مهدوی دامغانی در مقاله خود به شهربانو و ازدواج وی با حسین بن علی (ع) و زاده‌شدن علی بن حسین (ع) معروف به علی‌الوسط پرداخته است.^۲ یعقوبی می‌گوید: در زمان عمر، دو تن از دختران یزدگرد به اسارت درآمدند عمر یکی از آن دو به نام شاه زنان یا شهربانو را به امام حسین (ع) بخشید و امام نام او را به غزاله تغییر داد. امام چهارم شیعیان امام علی بن الحسین (ع) فرزند این بانو است.^۳ یعقوبی در ذیل همان سخن می‌گوید: «و گفته شده که مادرش (مادر امام سجاد (ع)) از اسیران کابل بوده است».^۴ در رابطه با سخن یعقوبی و سایر مورخین در ارتباط با ازدواج امام حسین (ع) با شاهدخت ایرانی^۵ با در نظر گرفتن زمان وقوع نبردهای قادسیه، جلولاء و نهاوند و سن امام حسین (ع) و سن دختر یزدگرد در زمان عمر، این مسئله بعید به نظر می‌رسد.^۶ از طرفی با توجه به روایت مستند

الصهر واستنجه في الولد وأنه ليس فوق رسول الله ﷺ مرتقا في مجد ولا مستزاد في كرم وإنما كانت ملك يميني خرجت متي أراد الله عز وجل مني بأمر ألتمس به ثوابه ثم ارتجعتها على سنة ومن كان زكيا في دين الله فليس يخل به شيء من أمره وقد رفع الله بالاسلام الخسيسة وتمم به النقيصة وأذهب اللوم فلا لوم على امرء مسلم إنما اللوم لوم الجاهلية والسلام». (کلینی، *المعانی*، ج ۵، ص ۳۴۶ - ۳۴۵؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۱۰، ص ۱۸)

۱. دانشورانی مانند محمد بن حسن صفار قمی (متوفای ۲۹۰ ق) در *بصائر الدرجات*، ص ۱۴۰، کلینی (متوفای ۳۲۹ ق) در *کافی*، ج ۱، ص ۳۶۶، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) در *عیون اخبار الرضا (ع)*، ج ۱، ص ۱۳۵ و شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق) در *الارشاد*، ص ۱۳۷ با وجود اختلاف در نام مادر امام سجاد (ع)، او را دختر یزدگرد سوم دانسته‌اند. اما دکتر سید جعفر شهیدی در کتاب *زندگانی علی بن حسین (ع)*، ص ۱۹، ۲۰ نقد جدی بر این روایت وارد کرده و ایشان را دختر یزدگرد سوم نمی‌داند. با این حال، دیگر نویسندگان مانند دکتر احمد مهدوی دامغانی، بر صحت این موضوع تأکید دارند. (مهدوی دامغانی، «شاهدخت والاتبارشهربانو والده معظمه حضرت امام علی بن الحسین سجاد (ع)»، *ضمیمه آئینه میراث*، ۱۳۸۸، ص ۸۴ - ۱)

۲. همان.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۳، ص ۴۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۲۶۴.

۵. زمخشری، *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*، ج ۳، ص ۱۹ - ۱۸؛ امین، *امیان الشیعه*، ج ۱، ص ۶۲۴ و ج ۷، ص ۳۵۳.

۶. جنگ‌های قادسیه و جلولاء و نهاوند در سال‌های ۱۴، ۱۶ و ۲۰ هجری صورت گرفته که در این سال‌ها حسین بن علی (ع) ۱۰ تا ۱۵ سال بیشتر نداشته است و بعید به نظر می‌رسد که امام علی (ع) برای فرزندش در چنین سنی خواستگاری کرده باشد. همچنین با توجه به تولد یزدگرد در سال ۶۱۱ م و آغاز فرمانروایی وی در سال ۶۳۲ م، اگر یزدگرد در همان ابتدای پادشاهی که بیست سال داشته یعنی سال دهم هجری ازدواج کرده باشد، در هنگام نبردهای قادسیه، نهاوند و جلولاء، دختران وی کودکانی چهار یا پنج ساله یا حداکثر نوجوانانی ده ساله بوده‌اند. از طرفی با توجه

شیخ صدوق از قول امام رضا علیه السلام در کتاب *عیون اخبار الرضا*^۱ و زمان فتح خراسان و همچنین زمان تولد امام سجاد علیه السلام وقوع این رویداد در زمان عثمان به حقیقت نزدیکتر است. امام صادق علیه السلام نیز از میان کنیزان همسرانی را برگزید. برخی منابع اسامی فرزندان آن حضرت از همسران کنیزشان را اسحاق، محمد، عباس، علی و فاطمه ذکر کرده‌اند.^۲ یکی از همسران ام‌ولد امام صادق علیه السلام، حمیده مادر امام کاظم علیه السلام می‌باشد.^۳ آنچه از میان بسیاری از گزارش‌ها به دست می‌آید این است که با توجه به اینکه دختران رومی و ایرانی از وجاهت بیشتری برخوردار بودند، اعراب دلبستگی بیشتری به آنها داشتند. از این رو هنگامی که امام صادق علیه السلام به سن ازدواج رسید، عکاشه یکی از اصحاب امام محمدباقر علیه السلام، به دستور ایشان حمیده را که دوشیزه‌ای وجیه‌المنظر و باسواد بود، از بازار برده‌فروشان انتخاب و خریداری نمود. جالب اینکه حمیده مؤلده^۴ بود و در بازار برده‌فروشان مدینه، چون اسرای ترک و تازی که در معرض فروش قرار گرفته بود. به همین خاطر حوادث باید واکاوی علمی و تاریخی شوند تا به واقعیت ماجرا پی‌برد. به هر حال در همان سال ازدواج، امام صادق علیه السلام همراه اهل بیت خود به مکه مشرف شدند. در بازگشت از مکه در محلی به نام ابواء که آرامستان آمنه مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، اولین فرزند امام صادق علیه السلام از حمیده متولد شد.^۵

از روایات مختلف چنین استنباط می‌شود که امام موسی کاظم علیه السلام نجمه یا تکتم را که کنیزی مولده

به فتح کابل در دهه پنجاه هجری و تولد امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ ق در آن زمان، امام علی بن حسین علیه السلام بیش از ۱۵ سال داشته است و مادرشان نمی‌توانسته از اسیران فتح کابل باشد. (یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ۲۸ - ۲۷ و ۴۴؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۴، ۶ ص ۱۶۲۹، ۱۸۱۰، ۱۸۲۷، ۱۹۳۰، ۲۱۷۱؛ ابن اثیر، *الکامل*، ج ۳، ۴ ص ۱۳۴۷، ۱۴۲۷، ۱۴۳۷، ۱۴۳۹، ۱۵۰۵، ۱۶۵۱؛ بلعمی، *تاریخ نامه طبری*، ج ۱، ۵۳۶؛ رئیس‌السادات، *تاریخ خراسان در سده نخست هجری*، ص ۱۲ - ۹، ۲۲، ۴۶ - ۴۰)

۱. صدوق، *عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۵؛ سهل بن قاسم نوشجانی می‌گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: بین ما و شما، نسب و رابطه خویشاوندی وجود دارد. پرسیدم: چگونه؟ فرمود: هنگامی که عبدالله بن عامر [بن کریز] خراسان را فتح کرد، دو نفر از دختران یزدجرد بن شهریار را به دست آورد. آنها را به مدینه و نزد عثمان فرستاد. خلیفه، یکی را به حسن علیه السلام و دیگری را به حسین علیه السلام بخشید و هر دو، در حال نفاس از دنیا رفته‌اند و آن دختری که به حسین علیه السلام بخشید، مادر علی بن الحسین علیه السلام بود.*

۲. مفید، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳. بحرانی، *عوامل*، ج ۱۰، ص ۲۱.

۴. کنیزی غیرعرب که در میان اعراب متولد شده و با فرزندان آنان رشد یافته و وی را همانند فرزندان خود تربیت کرده‌اند. (فراهیدی، *کتاب العین*، ج ۸، ص ۷۱)

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۸۵.

بوده و توسط حمیده مصفا (مادر امام) خریداری شده بود، به همسری برگزید.^۱ همسر بزرگوار امام رضا (ع) و مادر امام جواد (ع) نیز امولدی به نام سبیکه یا خیزران معرفی شده است.^۲ ایشان از نسل ماریه قبطیه همسر پیامبر (ص) بوده است.^۳ همسر رسمی امام جواد (ع)، امفضل دختر مأمون بود، که از وی صاحب فرزند نشد.^۴ از این رو امام محمدتقی (ع) جاریه‌ای انتخاب نمود و از او صاحب چهار فرزند به نام‌های: علی، خدیجه، ام‌کلثوم و حکیمه شد.^۵ کلینی - یکی از روات موثق شیعه - مادر امام هادی (ع) را کنیزی به نام سمانه معرفی کرده است.^۶ طبق گفته مسعودی، محمد بن فرج رنجی، وکیل امام جواد (ع)، بنا به فرمایش امام، سمانه مغریه را از یکی از برده‌داران سامرا خریداری کرد.^۷ بدون شک امام برای داشتن فرزندی صاحب کمال، در جستجوی همسری تربیت شده بودند، تا بتواند کودکان خود را از نظر اخلاقی و تربیتی، به‌گونه‌ای تربیت کند که نه تنها اخلاق و حکمت اسلامی در آن‌ها نهادینه شده باشد بلکه بتواند در هنگام ضرورت، جامعه اسلامی را به بهترین نحو مدیریت کند. سمانه برعکس امفضل که به روایتی قاتل امام شد و همه‌روزه امام را به خاطر این ازدواج سرزنش می‌کرد، سنگ صبور امام و رازدار جوادالائمه (ع) بود.^۸ همسر امام هادی (ع) و مادر امام حسن عسکری (ع) نیز کنیزی به نام حدیث یا سوسن^۹ از اهالی نوبه در جنوب مصر بود.^{۱۰} امام هادی (ع) در سال ۲۳۳ هجری قمری با حدیث ازدواج کرد و در همان سال امام عسکری (ع) متولد شد.^{۱۱} همسر امولد امام عسکری (ع) و مادر حضرت مهدی (عج) نیز نجس‌خاتون^{۱۲} بانویی رومی بود که زیر نظر حکیمه‌خاتون تربیت شده و نزد امام از احترام ویژه‌ای برخوردار بود.^{۱۳} ائمه با ازدواج با

۱. صدوق، *عیون اخبار الرضا* (ع)، ج ۲، ص ۲۶.

۲. مفید، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۲۷۳؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ج ۲، ص ۹۱.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۹۲؛ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۲۷۴؛ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۶، ص ۹۰.

۴. علوی، *المجدی فی انساب الطالبین*، ص ۱۲۸.

۵. طبری، *دلائل الامامه*، ۳۹۷. البته در تعداد فرزندان منسوب به امام جواد (ع) اختلاف روایت است مانند: مفید، *الارشاد*، ص ۳۲۷.

۶. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۸۹.

۷. مسعودی، *اثبات الوصیه*، ص ۲۲۰.

۸. طبرسی، *اعلام الوری*، ج ۲، ص ۱۰۵.

۹. صدوق، *عیون اخبار الرضا* (ع)، ص ۴۸.

۱۰. برای نوبه مکان‌های متعددی ذکر شده: نوبه شهرکی در تونس، ناحیه‌ای در نزدیکی دریای تهمام، سرزمینی در جنوب مصر، مکانی در شمال افریقا موضعی در حجاز با فاصله سه روز راه از مدینه. (بغدادی، *تاریخ موالید الأئمه*، ج ۳)

۱۱. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ص ۴۴۰؛ کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۵۰۳.

۱۲. طوسی، *الغیبه*، ص ۲۱۴.

۱۳. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۴۲۲ - ۴۱۷؛ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۳۳۵؛ طوسی، *الغیبه*، ص ۳۹۳.

این قشر تحت ستم، و فرزنددار شدن از آنان، موقعیت و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی ارتقاء بخشیدند و بالاترین درجه برای کنیزان امولد که تربیت امامان معصوم^{علیهم السلام} بود را به آنها محول کردند. شواهد و مدارک، نشان می‌دهد که از میان ائمه^{علیهم السلام}، مادران امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و امام مهدی^{علیهم السلام}، غیرعرب بوده‌اند. اگر جنبه وحیانی و اوامر الهی و عصمت ائمه^{علیهم السلام} را نادیده بگیریم، چنین به نظر می‌رسد که امامان شیعه همانند سایر عرب‌ها، به ازدواج با غیرعرب‌ها علاقمند بوده‌اند و توجه به کنیزان و بالا بردن جایگاه اجتماعی آنان در مرتبه دوم اهمیت قرار داشته است. روشن است که رفتار خلفا با رفتار امامان که در محیطی سراسر طهارت و کرامت بزرگ شده‌اند، در برخورد با کنیزان قابل مقایسه نیست و یقیناً رفتار امام جنبه ارشادی داشته است.

۲. اعطای القاب و صفات نیکو به کنیزان

ائمه^{علیهم السلام} با دادن القاب و صفات نیکو به کنیزان خود و تکریم و احترام به آنها زمینه ارتقای جایگاه آنها را در جامعه فراهم می‌کردند. امام محمدباقر^{علیه السلام}، لقب مصفا به معنی پاک و خالص و پیراسته را برای حمیده برگزید و فرمود: «**حُمَيْدَةُ مُصَفَّى مِنَ الْإِنْسَانِ**»: حمیده از بدی‌ها پیراسته است. همچنین امام صادق^{علیه السلام} در مورد حمیده فرمود: «**حُمَيْدَةُ فِي الدُّنْيَا، مَحْمُودَةٌ فِي الْآخِرَةِ**»^۱ از حمیده تحت عنوان سیدالاماء به معنی سرور کنیزان نیز یاد شده است.^۲ طبق روایت شیخ صدوق از محمد بن یحیی صولی، امام کاظم^{علیه السلام} نام تکتم به معنی چاه زمزم را برای نجمه انتخاب کرد.^۳ شاید منظور امام از اطلاق این نام، اشاره به روح پاک و زلال و وجود پرخیز و برکت این بانو بوده است. هنگامی که امام رضا^{علیه السلام}، متولد شد، امام موسی کاظم^{علیه السلام} لقب طاهره را برای نجمه برگزید.^۴ مسعودی می‌گوید که امام علی‌النقی^{علیه السلام}، مادرش را نزد وکیلان خود یعنی علی بن مهزیار و محمد بن فرج، زنی محفوظ از کید و پلیدی‌های شیطان و هم‌ردیف با مادر سایر صدیقان و صالحان معرفی کرده است.^۵ حدیث همسر گرامی امام هادی^{علیه السلام} به نام‌های سلیل و حریبه نیز معروف و مشهور بود^۶ و بعدها نام جدّه به وی داده شد زیرا که جدّه حضرت حجة بن الحسن بود. گفته شده امام هادی^{علیه السلام}

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۷۷؛ مسعودی، *اثبات الوصیه*، ص ۱۹۰.

۲. طبری، *دلائل الامامه*، ص ۱۴۷؛ مسعودی، *اثبات الوصیه*، ص ۱۹۰.

۳. صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۶.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۶؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۹، ص ۷.

۵. مسعودی، *اثبات الوصیه*، ص ۲۲۰.

۶. اربلی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ج ۲، ص ۴۰۳.

سلیل را به معنی محفوظ از هر نوع آفت و پلیدی دانسته و فرموده است: «سلیل مسلوله من الآفات والعاهات والأرجاس والأنجاس».^۱ ائمه با اعطای این القاب نیکو و پسندیده به همسران کنیز خود، علاوه بر اظهار محبت به آنها، باعث ارتقای منزلت اجتماعی این بانوان در میان مردم شدند.

۳. اعطای مسئولیت

جایگاه حمیده نزد امام صادق علیه السلام به قدری والا بود که امام وجوهات و کمک‌های خود را از طریق حمیده و ام‌فروه - که مادر امام صادق علیه السلام بود - به اهل مدینه پرداخت می‌کرد.^۲ همچنین امام صادق علیه السلام از حمیده خواسته بودند که به زنان مدینه احکام و معارف بیاموزد.^۳ این بیانگر توجه ویژه امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام به حمیده بود که به او فقه و حکمت و معارف آموخته بودند^۴ و پیروان خود را برای حل مسائل فقهی به حمیده ارجاع می‌دادند. امام، از عبدالرحمان بن حجاج که سؤالاتی در مورد حج نیابتی کودکان داشت، خواست که کنیزش را جهت دریافت پاسخ سؤالاتش و آگاهی از نحوه حج نیابتی کودکان، نزد حمیده بفرستد.^۵ ایشان با این رفتار خود علاوه بر تأیید آموخته‌های فقهی حمیده، بر اعتبار و جایگاه او در میان پیروان و دوستان خود افزودند.

در دوران زندگی امام هادی علیه السلام در مدینه، ورود و خروج شیعیان به این شهر برای دیدار با امام زیاد شد و نزدیک بود که عده‌ای از طرفداران امام، حکومت مدینه را بدست گیرند. متوکل چاره کار را بر انتقال امام هادی علیه السلام از مدینه به سامراء - مرکز خلافت - دانست و بر این باور بود که از این راه، ارتباط امام هادی علیه السلام با طرفداران، قطع خواهد شد و در نتیجه سخت‌گیری زیادی در این امر کرد. در سامراء امام در تنگنای سیاسی قرار گرفته و ارتباط آن حضرت با پیروانش تقریباً قطع شده بود. چنانکه امام هر از گاهی مورد استنطاق مأمورین قرار می‌گرفت^۶ و باید روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه در قصر متوکل حاضر می‌شد، درواقع امام در پادگان سامرا تحت نظر بود.^۷ در چنین شرایطی امام

۱. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۷.

۳. بهشتی، زنان نامدار، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۰.

۴. قمی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۳۷.

۵. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۳۰۱.

۶. همان، ج ۱، ص ۵۰۳.

۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۱۰؛ متوکل از امام می‌خواست که لباس فاخر بپوشد و مانند درباریان در رکاب وی راه برود، درحالی که خودش و فتح بن خاقان سواره بودند. (سید بن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۶۶).

هادی علیه السلام مسئولیت رسیدگی به امور و پاسخگویی به مسائل شرعی شیعیان را در روزهایی که حضور نداشت به حدیث سپرده بود و حدیث به عنوان یک راوی مصدق، منبع تعدادی از روایات شد.^۱ به نظر می‌رسد از آن جایی که حدیث کمتر مورد توجه و حساسیت سیاسی حاکمان زمان خود بود، امام حسن عسکری علیه السلام نیز از حدیث (مادر امام حسن عسکری علیه السلام) در امور حساس و مهمی چون سپردن امام مهدی علیه السلام به ایشان و خارج نمودن حضرت از سامراء استفاده کرده باشند. روایات متعددی گویای این مطلب است که امام حسن عسکری علیه السلام، قبل از شهادت، روزی با مادر خود درباره وقایع سال ۲۶۰ قمری و نحوه شهادت خویش، سخن گفته و او را از اخبار و رویدادهای آن سال آگاه کرد. سپس از او خواست که با فرزندش مهدی علیه السلام از سامراء به بهانه سفر حج خارج شود. حدیث و نوادهاش به کمک احمد بن مطهر که از دوستان صمیمی و نزدیک امام عسکری علیه السلام بود به مکه رفته و سپس در مدینه ساکن شدند.^۲

دوران امامت امام حسن عسکری علیه السلام، دوران آشفتگی خلافت عباسی بود و سران ترک بر اوضاع حکومت مسلط بودند. با وجود گرفتاری عباسیان در شورش صاحب‌الزنج، قیام یعقوب‌لیث و دیگر مدعیان حکومت، امام حسن عسکری علیه السلام و خانواده ایشان از سوی دستگاه خلافت، تحت شدیدترین مراقبت‌ها بودند. زیرا حکومت عباسی براساس روایات و اخباری که توسط شیعه و سنی برایشان نقل شده بود، از تولد مهدی موعود علیه السلام که درهم کوبنده ظلم و ستم خواهد بود، با خبر بودند. پس از تولد حضرت مهدی علیه السلام، برای مدتی این خبر مکتوم بود تا اینکه امام عسکری علیه السلام، وسایل مسافرت مادرش - حدیث - را برای بردن حضرت مهدی علیه السلام به مدینه فراهم کرد. نرجس‌خاتون چون ادعای بارداری کرده بود، او را تحت نظر گرفتند یا بازداشت کردند تا فرزندش متولد شود اما پس از مدتی ایشان از زندان آزاد و به کمک عثمان بن سعید - اولین نایب امام مهدی علیه السلام - به بغداد رفت و به فرزند خود ملحق گردید. مراقبت از امام مهدی علیه السلام مسئولیت بزرگی بود که در آن شرایط و اوضاع بر عهده نرجس گذاشته شد^۳ که این اهمیت و اعتبار نرجس را نزد امام حسن عسکری علیه السلام نشان می‌دهد. وی در سخت‌ترین شرایط سیاسی در برابر خلفای ستمگر عباسی ایستاد و با درایت از جان امام مهدی علیه السلام، مراقبت و محافظت نمود.^۴

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۲؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۴۵۷.

۲. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۵۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۰.

۴. امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۷ - ۴۶.

۴. اعطای وصایت

یکی از اقداماتی که ائمه علیهم‌السلام برای ارتقای مقام امولدها انجام دادند، اعطای وصایت به آنها بود. امام صادق علیه‌السلام در وصیت‌نامه خود از حمیده به‌عنوان یکی از جانشینان نام برده است.^۱ درواقع این اقدام برای حفظ جان امام موسی کاظم علیه‌السلام و گمراه کردن منصور عباسی بوده ولی همین موضوع که امام این بانوی بزرگوار را از بین همسران خود به‌عنوان وصی خویش انتخاب کرده‌اند، نشان‌دهنده موقعیت و جایگاه حمیده در نزد ایشان است.

بنابر روایات و نقل‌های تاریخی، امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز تنها حدیث را وصی خود قرار داد، با آنکه هم فرزند داشت و هم برادرش در قید حیات بود.^۲ شیخ مفید در کتاب *فصول العشره* به ذکر دلایل عقلی و نقلی انتخاب حدیث به‌عنوان وصی و جانشین امام می‌پردازد و این کار امام را یک اقدام سیاسی قلمداد می‌کند.^۳

هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام جامعه شیعه دچار سردرگمی و اضطراب شده و به سمت انحراف پیش می‌رفت و فشار سیاسی عباسیان نیز بر شیعیان زیاد شده بود. در این شرایط، حدیث که فردی توانا و بافضیلت بود، با کمک و راهنمایی حکیمه، دختر امام جواد علیه‌السلام، پناهگاه شیعیان و وصی امام معرفی شد و توانست نقش مهمی در جریان‌ات سیاسی زمان خود داشته باشد.^۴ همچنین آورده‌اند که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، حکیمه، عمه آن حضرت، در پاسخ احمد بن ابراهیم که در مورد جانشین امام در زمان غیبت امام مهدی علیه‌السلام، پرسیده بود، جدّه، مادر ابومحمد (حدیث) را معرفی کرده و در پاسخ سخن احمد که گفته بود: آیا به کسی اقتدا کنم که یک زن را جانشین خود قرار داده است؟ در کمال درایت فرموده بود: به امام حسین علیه‌السلام اقتدا کن که خواهرش زینب را وصی خویش قرار داد.^۵

با توجه به شواهد تاریخی، امام حسن عسکری علیه‌السلام، در روزهای سخت و آشفته سیاسی و سردرگمی شیعیان در برهه‌ای از زمان، یک زن را در امور مهم اقتصادی و دینی، وصی خویش قرار داد تا او قوت قلب و پناهگاه شیعیان باشد. دادن این مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی مهم در آن شرایط، سبب ارتقای منزلت و جایگاه حدیث نزد یاران امام شد. زیرا اولیای الهی با اطمینان از توانمندی فرد،

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۱۰؛ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۵، ص ۴۱.

۲. طوسی، *الغیبه*، ص ۱۰۸ - ۱۰۷.

۳. مفید، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ص ۱۳۵.

۴. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۵۰۱؛ طوسی، *الغیبه*، ص ۲۳۰.

۵. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۵۰۷.

مسئولیت‌های بزرگ و مهم را به او واگذار می‌کنند. امام عسکری(ع) حدیث را به‌عنوان وصی^۱ خود و حافظ اسرار امامت و مدافع حریم امامت معرفی کرد. حدیث در دوران زندگی و مبارزه خود توانست با دوراندیشی در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، از حریم امامت دفاع نماید.

۵. تکریم

در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. در منابع آمده است که حمیده مصفی به فرزندش امام کاظم(ع) فرمود: «یا بنی ان تکتّم جاریه مارایت جاریه قط افضل منه»^۲ پسر من همانا تکتّم کنیزی است که هرگز بهتر از وی کنیزی ندیدم، او را به تو بخشیدم و سفارش می‌کنم با او به نیکی رفتار کنی. پس از تولد امام رضا(ع)، امام موسی کاظم(ع) به اتفاق نجمه وارد شد و فرمود: «هنیثا یا نجمه کرامه ربک. ای نجمه پروردگارت به تو لطفی فرمود، بر تو گوارا باد» با توجه به خفقان حاکم بر جامعه در این زمان و ستمگری‌های بنی‌عباس، تنها افراد رازدار و مورد وثوق می‌توانستند به شناخت امام بعدی دست یابند در چنین شرایطی امام موسی کاظم(ع) با در آغوش کشیدن امام رضا(ع) او را به‌عنوان امام بعد از خود به نجمه معرفی کردند.^۳

پس از شهادت امام صادق(ع) و موضع‌گیری انقلابی و سیاسی امام کاظم(ع) و شورش‌های علویان در حجاز، منصور عباسی آن شورش‌ها را در خون فروشت و بسیاری دیگر از علویان را زندانی کرد. هادی و مهدی عباسی که درگیر تثبیت حاکمیت خویش بودند، فرصت چندانی برای اذیت و آزار موسی بن جعفر(ع) پیدا نکردند ولی هنگامی که هارون به تدبیر و کیاست برمکیان، خلافت خود را تثبیت کرد، کسانی را در مدینه مأمور کرد تا تمام اخبار مربوط به امام کاظم(ع) را به وی اطلاع دهند. در سفر هارون به مدینه، هنگامی که از نفوذ و محبوبیت و عظمت امام در میان مردم مدینه آگاه شد، از فروریختن حکومت غاصبانه خویش وحشت کرد، از این‌رو امام را از مدینه به عراق آورد و زندانی نمود. در این سفرهای تحمیلی، امام(ع) از میان همسرانشان، نجمه را همراه خود به بغداد برد.^۴

امام هادی(ع) در فضایل سمانه، مادر بزرگوار خود نقل می‌کند که: «مادرم عارف به حق من در امامت و از اشخاص راستگو و نیکوکار بود».^۵

۱. طوسی، الغیبه، ص ۷۵.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. قمی، منتهی الامال، ص ۱۰۳.

۵. «روی محمد بن الفرّج و علی بن مهزیار، عن السید(ع) أنه قال: امی عارفة بحقی، و هی من أهل

۶. ارتقای اعتبار و اعتماد

درجه اعتبار و اعتماد امام موسی کاظم علیه السلام نسبت به کنیزان امولد آنقدرها بود که وقتی امام موسی کاظم علیه السلام مجبور به ترک مدینه شد، در رابطه با مدیریت ارتباط با پیروان و طرفداران، علاوه بر علی بن موسی، به ام‌احمد - یکی از همسران امولد خود - توصیه‌های لازم را کرد.^۱ توصیه‌های امام به ام‌احمد در مورد پیشوایی علی بن موسی الرضا علیه السلام در حقیقت رازی بود که سخن سمیطیه و واقفیه را در امام ندانستن علی بن موسی علیه السلام بی اعتبار کرد.^۲ در حقیقت ام‌احمد حامل سخنان و نکته‌های ارزشمندی بود که امام بعدی بتواند جامعه مسلمین را مدیریت و نهضت مخالفت با حاکمیت را زنده نگه دارد.^۳

۷. دفاع و حمایت از آبروی همسر امولد

در پی تهمتی که برخی از اقوام امام رضا علیه السلام و واقفیه بر سبیکه، همسر امام رضا علیه السلام وارد کردند که امام محمد تقی علیه السلام فرزند امام رضا علیه السلام نیست، ایشان به دفاع از همسر نجیب خود پرداخت. از این رو عیب‌گویان و بداندیشان، از تحقیر امام دست کشیدند.^۴ به هر حال کار بدانجا کشید که قیافه‌شناسی از مدینه، نسبت امام جواد علیه السلام به حضرت رضا علیه السلام را تأیید کرد و امام از این گرفتاری بیرون آمدند. شاید دلیل خرده‌گیران این بود که چگونه امام تا میان سالی صاحب فرزند نبود^۵ و پس از ازدواج با خیزران صاحب فرزند شد.^۶

نتیجه

با توجه به مدارک و شواهد تاریخی، چنین استنباط می‌شود که رویکرد حاکمان و جامعه اسلامی نسبت به کنیزان و بردگان، با رویکرد ائمه علیهم السلام که منطبق بر قرآن بود، تفاوت اساسی داشته است. به طوری که در جامعه اسلامی، کنیزان خریداری شده، پس از بهره‌کشی جنسی، همچنان در جایگاه تحقیرگونه‌ای به سر می‌بردند و برخی از صاحبان کنیزان، به بهانه‌های مختلف، از پذیرش فرزندان

الجنة، لا یقربها شیطان مارد، ولا ینالها کید جبار عنید، وهي مكلوءة بعین الله التي لا تنام، ولا تتخلف عن امهات الصديقين والصالحين». (مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۸؛ طبری، دلائل الإمامه، ص ۴۱۰؛

بحرانی، مدینه معجز الأئمة الإثني عشر ودلائل الحجج علی البشر، ج ۷، ص ۴۲۰)

۱. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۹۹؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۶۱ و ۲۳۶.

۳. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۹۹.

۴. طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۲؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۵.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ۲۸۶ و ۳۲۰.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۸۱.

امولد طفره می‌رفتند و امولدها هرگز جایگاه همسران رسمی را پیدا نمی‌کردند. درحالی که ائمه علیهم‌السلام با داشتن نگاهی انسانی - که برگرفته از مبانی اسلام بود به کنیزان - و آزاد کردن و ازدواج با آنان و با رفتار و سیره عملی خود، توانستند مقام کنیزان امولد را به‌عنوان همسر و مادران امامان معصوم علیهم‌السلام ارتقاء بخشند و در نتیجه والاترین و شریف‌ترین انسان‌ها در دامن این بانوان امولد رشد و نمو یافتند. امامان شیعه با اجرای صحیح قانون امولد، نوعی راهکار عملی برای مقابله با برده‌داری درپیش گرفتند که این اقدامات و سپردن مسئولیت‌های مهم و حساس - مانند وصایت در امور دینی و اقتصادی و انتخاب آنان به‌عنوان حافظ اسرار امامت - موجب ارتقای جایگاه اجتماعی این قشر در جامعه شد. همچنین ائمه علیهم‌السلام از میان این بانوان، محدثینی تربیت کردند که در شرایط ویژه مردم را رهنمون بودند. از طرف دیگر این افراد چون مادر و همسر ائمه علیهم‌السلام بودند، احترام و جایگاه خاصی در میان شیعیان و محبان اهل بیت داشتند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ۱۳۵۵.
۲. ابن الجوزی، ابوالفرج، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، بی‌جا، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق جمعی از اساتید نجف اشرف، نجف، المطبعة الحیدریة نجف، ۱۳۷۶ق.
۴. ابن عبدربه، ابی عمر احمد بن محمد، *عقد الفرید*، تصحیح محمدامین، قاهره، دار الکتب العربی، ۱۳۷۲ق.
۵. ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله، *عیون الاخبار*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد، *المغنی*، بیروت، دار الکتب العربیه، ۱۳۹۲ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر قرشی، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، بیروت، دار المعارف، ۱۳۹۴ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۹. ابن هشام، عبدالملک، *سيرة النبویه*، بی‌جا، دار المعرفه، بی‌تا.
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، *اخبار النساء فی کتاب الاغانی*، گردآورنده، عبدالامیر مهنا، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۱۳ق.

۱۱. ابوعلی مسکویه رازی، *تجارب الامم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷۶.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفة الأئمة*، ترجمه علی بن عیسی زواره‌ای، تهران، نشر ادب الحوزه بی‌تا.
۱۳. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، قم، مؤسسه دار الکتاب، منشورات المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۱۴. امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف، بی‌تا.
۱۵. انصاری، مرتضی، *المکاسب*، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۱۱ ق.
۱۶. بحرانی اصفهانی، عبدالله، *عوالم العلوم و المعارف*، قم، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، بی‌تا.
۱۷. بحرانی، سید هاشم، *عوالم*، قم، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی ۱۴۰۹ ق.
۱۸. بحرانی، سید هاشم، *مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة ۱۴۱۳ ق.
۱۹. بغدادی، ابن خشاب، *تاریخ موالید الأئمة*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. بلعمی، ابوالفضل، *تاریخ نامه طبری*، به تصحیح محمد روشن، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۲۱. بهشتی، احمد، *زنان نامدار*، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۲. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، *تاریخ بیهقی*، به کوشش علی اکبر فیاض، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴.
۲۳. پاک‌نیا تبریزی، عبدالکریم، «نجمه خاتون مادر امام رضا علیه السلام»، *نشر مبلغان*، ش ۲۱۷، ص ۳۱ - ۲۲، قم، حوزه علمیه قم، مرداد و شهریور ۱۳۹۶.
۲۴. جبلی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، *الروضة البیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، بیروت، دار الهادی، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. جوادعلی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دار العلم للملایین، بغداد، مکتبه النهضة، ۱۹۷۶ م.
۲۶. حتی، فیلیپ خلیل، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۲۷. حرعاملی، محمد بن حسن، *هدایت الأئمة الی احکام الأئمة*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، قم، تحقیق مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ج ۲، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، مشهد، مؤسسه

آل‌البیت، بی‌تا.

۳۰. حلی، یحیی بن سعید، **الجامع للشرایع**، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. حموی، یاقوت، **معجم الادباء**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۳۲. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه**، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۳. ذهبی، شمس‌الدین، **سیر اعلام النبلاء**، قم، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
۳۴. راوندی، قطب‌الدین، **الخرائج والجرائح**، قم، تحقیق و نشر مؤسسة الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. رئیس‌السادات، سید حسین، **تاریخ خراسان در سده نخست هجری**، مشهد، نشر جلیل، ۱۳۸۰.
۳۶. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، **ربیع الابرار و نصوص الاخیار**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۳۸. سرخسی، شمس‌الدین، **المبسوط**، لبنان، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. سید بن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۴۰. شهبازیان، محمد و نعمت‌الله صفری فروشانی، «واکاوی در هویت زندگی مادر امام زمان (عج)»، **مجله انتظار موعود**، شماره ۳۷، ص ۱۲۸-۱۱۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت، بهار ۱۳۸۱.
۴۱. شهیدی، جعفر، **زندگانی علی بن الحسین (عج)**، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۵.
۴۲. صدوق، محمد بن علی، **عیون اخبار الرضا (عج)**، مهدی لاجوردی، دو جلدی، تهران، نشر جوان، چ ۱، ۱۳۷۸.
۴۳. صدوق، محمد بن علی، **کمال‌الدین و تمام النعمه**، ترجمه تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۴۴. صدوق، محمد بن علی، **کمال‌الدین و تمام النعمه**، علی‌اکبر غفاری، دو جلدی، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۵.
۴۵. صفار، محمد، **بصائر الدرجات**، به کوشش محسن کوجه‌باغی، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۲.
۴۶. طباطبایی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۴.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن، **اعلام‌الوری**، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۹۰.
۴۸. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الطبری**، علی مهنا، ده جلدی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۴۹. طبری، محمد بن جریر، **دلائل‌الامامه**، قم، نشر بعثت، ۱۴۱۳ ق.

۵۰. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، بنیاد معارف اسلامی قم، تهران، مکتبه نینوی، ۱۴۱۱ ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، محقق، محمدباقر بهبودی، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۵۲. طیبی، ناهید، *زیست‌نامه مادر امام رضا (ع)*، مشهد، چاپ به نشر (آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۹.
۵۳. عصامی، عبدالملک بن حسین، *سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل والتوالی*، بیروت، دار الکتب العلمیه بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵۴. علوی، علی بن محمد، *المجدی فی انساب الطالبین*، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی النجفی، چ ۲، ۱۴۲۲ ق.
۵۵. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، میلاد نور، ۱۳۸۹.
۵۶. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر، *قابوس‌نامه*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۵۷. غزالی، ابوحامد محمد، *کیمیای سعادت*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ایران، ۱۳۷۴.
۵۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی‌جا، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۵۹. قمی، عباس، *منتهی الامال*، قم، هجرت، چ ۵، ۱۴۱۲ ق.
۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۶۱. کوئن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران، سمت، چ ۱۷، ۱۳۸۵.
۶۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ۱۱۱ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۶۳. مختاری مازندرانی، محمدحسین و علی‌اصغر مرادی، *فرهنگ اصطلاحات فقهی*، تهران، انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷.
۶۴. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۶۵. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۶۶. مشکور، محمدجواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵.
۶۷. معین، محمد، *فرهنگ لغت*، گردآورنده عزیزالله علیزاده، تهران، ادنا، ۱۳۸۱.
۶۸. مفید، محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ترجمه سید هاشم رسولی

واکاوی نقش ائمه اطهار(ع) در ارتقای منزلت اجتماعی «اُمّ ولدها»... 77

محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۶۹. ملک، ج.، *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چ ۳، ۱۳۷۴.

۷۰. مهدوی دامغانی، احمد، شاهدخت والایبارشهربانو والده معظمه حضرت امام علی بن الحسین سجاد(ع)، *ضمیمه آئینه میراث*، ۱۳۸۸.

۷۱. میرشریفی، سید علی، *سرنوشت اسیر در اسلام*، تهران، سمت، ۱۳۹۵.

۷۲. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

۷۳. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۷۶.

74. J. G. Lorimer, *Gazetteer of the Persian Gulf*, 'Oman, and central Arabia', compl. and ed. L. Birdwood, Calcutta 1908-1915, repr. 1970.